

الگوهای فراغتی و هویت ملی؛ مطالعه موردی جوانان استان کردستان

* امید قادرزاده

** میرش قادرزاده

*** حسین حسن پناه

E-mail: o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

E-mail: hersh.qaderzadeh@gmail.com

E-mail: arbaba1362@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

چکیده

الگوها و تجربه‌های فراغت در کنار آرامش‌بخشی و غنای شخصی، حاوی کارکردهای اجتماعی تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی و درک متقابل است و می‌تواند به مکانیسمی در جهت جذب و ادغام اجتماعی عمل کرده و افراد را به شهروند فعال و یا منفعل بریده از اجتماع بدل کند. این مقاله، با نظر به کارکردها و دلالت‌های هویتی گذران فراغت در چارچوب دیدگاه کریس روجک، به واکاوی الگوهای گذران فراغت و تأثیر آن بر هویت ملی جوانان استان کردستان پرداخته است. پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه، در مورد ۴۰۰ نفر نمونه از جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن در شهرهای سنندج، بانه و قروه انجام گرفت که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. بر مبنای یافته‌های توصیفی، بیش از دو سوم جوانان مورد بررسی، نگرش مثبتی به هویت ملی دارند و میانگین ابعاد سه‌گانه‌ی هویت ملی، در سطح بالا ارزیابی می‌شود. همچنین جوانان بیش از یک سوم وقت خود را صرف فراغت کرده‌اند. بررسی رابطه‌ی الگوهای فراغت با هویت ملی نشان می‌دهد که فراغت عادی رابطه‌ی مستقیمی با هویت ملی دارد؛ درحالی‌که رابطه‌ی فراغت غیرعادی با هویت ملی معکوس است. رابطه الگوهای فراغت با ابعاد هویت ملی بیانگر آن است که الگوهای فراغت عادی و غیرعادی بیش‌ترین تأثیر را بر بُعد جذب درون‌گروهی هویت ملی دارد. در میان ابعاد فراغت غیرعادی، بُعد نابهنجار بیش‌ترین اثر منفی بر بعد جذب درون‌گروهی و اشتراک درون‌گروهی دارد.

کلید واژه‌ها: فراغت عادی، فراغت غیرعادی، ادغام اجتماعی، هویت ملی، جوانان.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، نویسنده‌ی مسوول

** کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

*** کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس



مقدمه و طرح مسأله

اوقات فراغت، مجموعه‌ای از مشغولیت‌ها است که افراد پس از انجام وظایف کاری، خانوادگی و اجتماعی به اختیار خود برای استراحت، تفریح، افزودن به دانش و یا مهارت‌های خود به آن مبادرت می‌ورزند و متضمن رضایت و خشنودی است (تورکیلدسن، ۱۳۸۲: ۱۱۰). فراغت در کنار بازنمایی، عرصه‌ای است که اختیار و آزادی انسان‌ها در آن بیشتر قابل اعمال است؛ از این رو فراغت می‌تواند فرهنگ ایجاد کند و هویت افراد را آشکار سازد. تأمین فراغت برای کیفیت زندگی همان‌قدر اهمیت دارد که تأمین سلامت و آموزش (روجک، ۱۳۸۸: ۱۲). با این همه، دولت‌ها در برنامه‌های هزینه عمومی خود کمتر به این مطلب توجه کرده و به طور معمول درک جامعی از رابطه میان فراغت، کیفیت زندگی و مرزبندی‌های هویتی ندارند (روجک، ۲۰۰۰: ۲۲).

هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی است که باعث هماهنگی و همانندی اعضای جامعه با همدیگر می‌شود و در فرایند آموزش و اجتماعی شدن مؤثر است؛ در مقایسه با گذشته که عموماً هویت از پیش محرز بود و از طریق عضویت در گروه یا اجتماعات به افراد داده می‌شد (دان، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

در دوران معاصر، اوقات فراغت به‌عنوان فعالیت مصرفی، عرصه خاصی از تجربه انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایت‌مندی و لذتی است که شادی بیشتر را به دنبال داشته و به آن‌ها امکان می‌دهد، هویت‌های اجتماعی مطلوب خویش را ابراز کنند و گاه تأیید دیگران را نسبت به آن به دست آورند. امروزه ابعاد هویتی و کلیت زندگی روزمره بر حسب روابط افراد با کالاهای مصرفی تعیین می‌شود. مصرف مارک‌ها و برچسب‌های مختلف، موسیقی، کالاهای ورزشی، فضاها و مکان‌ها، پوشاک و خوراکی‌های متنوع هر یک به سهم خود بر کیفیت و جهت‌گیری هویت ما تأثیر می‌نهند (علی‌خواه، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

واکاوی نقش اوقات فراغت در فضای مدرن و رابطه آن با هویت نشان‌دهنده‌ی افزایش اهمیت فراغت در جامعه معاصر است؛ چرا که از این منظر، مطالعه‌ی اوقات فراغت، موجب فراهم ساختن بستر مناسب برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شود. به تعبیر «دلینی» امروزه نحوه گذران فراغت، مهم‌ترین معیار بازنمایی‌کننده شخصیت و هویت اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی است (دلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۳). نحوه‌ی گذران فراغت، موجب تشکیل معانی ذهنی و عینی افراد شده و در بازتاب‌های

بیرونی تجلی پیدا می‌کند (رفعت‌جاه، ۱۳۹۲: ۱۵۳). یافته‌های مطالعه ساروخانی و همکاران (۱۳۹۲) مؤید آن است که تحول در الگوهای فراغت جوانان فرصت‌ها و در عین حال تهدیدهایی را برای هویت‌یابی بازانديشانه‌ی جوانان در پی داشته است. نکته شایان ذکر گسترش فزاینده‌ی نقش‌آفرینی منابع فراستنی فراغت در ابعاد و سطح هویتی است. نتایج مطالعه‌ی ایمان و بوستانی (۱۳۹۲) مؤید آن است که بسترها و منابع فراستنی فراغت از قبیل تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فضاهای رسانه‌ای، تحولات بازار موسیقی و هم‌چنین خط‌مشی‌های محلی - جهانی در کنار شرایطی از قبیل فضای گروه دوستی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و بافت محل سکونت، منجر به بازانديشی در هویت مشارکت‌کنندگان به میانجی فراغت شده است. نتایج مطالعه واتیمو (۲۰۰۳) نیز نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی جدید از جمله اینترنت موجب شده است که کاربران فراغت را به صورت جهانی تجربه کنند؛ بر این اساس، فرهنگ محلی و ملی که در گذشته عاملی مهم در تعریف تجربه فراغت بود، با عمده شدن فراغت در رسانه‌های نوین، در حال کمرنگ شدن است. یکی از ابعاد و سطوح هویتی که رابطه معناداری با الگوهای فراغتی دارد، هویت ملی است (سروش، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

دوره جوانی زمانی است که انسان با انرژی و حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال بازانديشی هویت است (شفروز، ۱۳۸۳: ۱۱۶). فعالیت‌های فراغتی در این دوره عموماً برای رفتارهای فراغتی در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی شده است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۲۶). از منظر جمعیتی و براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰، هنوز ۳۱/۵ درصد جمعیت کشور را افراد ۱۵-۲۹ سال تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). براساس تعریف شورای ملی جوانان، این گروه سنی جوان محسوب می‌شوند. نیاز به اوقات فراغت مربوط به یک قشر خاص نیست، اما از آن‌جا که ایران با میانگین سنی ۱۶ سال در ردیف کشورهای جوان قرار دارد، توجه خاص به فراغت و ایجاد امکانات برای گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت آنان و همین‌طور سازندگی جامعه داشته باشد.

ضرورت توجه به جوانان در جهان امروزی انکار نشدنی است؛ زیرا شتاب و تنوع تغییراتی که جوامع معاصر تجربه می‌کنند و تحولات نهادی آن، ابعاد پیچیده و مهم‌تری به مسایل جوانان بخشیده است. تحول در دوره‌ی جوانی، فردی شدن فزاینده و استقلال نسبی جوانان در خانواده، تحول در آموزش و فرصت‌های تحصیلی، وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی، پیشگامی در پذیرش نوآوری‌ها به‌ویژه فن‌آوری‌های



ارتباطی جدید، اهمیت یافتن مصرف در منظومه‌ی ارزشی و هویتی جوانان، رواج خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی و غیره از جمله تحولاتی هستند که ضرورت بررسی مسائل مختلف جوانان را با اهمیت می‌سازد (ذکائی، ۱۳۸۶: ۲۴).

اوقات فراغت، مجرای شناخت دوره جوانی و به رسمیت شناختن هویت جوانی است؛ افراد در دوران فراغت، نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می‌کنند. بنابراین مهم‌ترین سال‌های زندگی یعنی دوران نوجوانی و جوانی، با رفتارهای فراغتی گره خورده و به تبع آن عرصه‌ی تجلی شکل‌گیری و یا از هم‌گسیختگی هویت است. در همین راستا، پژوهش حاضر در پی آن است تا براساس مباحث نظری مربوط به الگوهای گذران فراغت و هویت ملی، به بررسی هویت ملی جوانان استان کردستان در قالب متغیر کلیدی سبک زندگی یعنی «اوقات فراغت» بپردازد. با نظر به بافت جوان میدان مورد مطالعه، وضعیت جغرافیایی، مرزی بودن استان، فراگیری تجارت مرزی و اقتصاد غیررسمی و مهیا بودن بسترهای دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطی و کالاهای خارجی، هنجارهای مصرفی، صورت‌های فراغتی جوانان تحت‌الشعاع قرار گرفته است. بر همین اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت گذران اوقات فراغت و تعلقات ملی جوانان چگونه است؟ الگوهای فراغتی جوانان چه تأثیری بر هویت ملی و ابعاد آنان در پی داشته است؟

چارچوب نظری

پژوهش حاضر، با نظر به کارکردها و دلالت‌های هویتی الگوهای فراغتی در چارچوب دیدگاه کریس روجک، به واکاوی الگوهای فراغتی و تأثیر آن بر هویت ملی جوانان می‌پردازد. روجک، با استناد به منابع انسان‌شناسانه و منابع مربوط به مطالعات اوقات فراغت به استدلال درباره رابطه نیرومند میان فرهنگ و فعالیت‌های اوقات فراغت می‌پردازد. به‌زعم وی، فرهنگ بشری با نیاز به کار آغاز نشده است، این فرهنگ با زبان، خنده، تقلید، مناسک و گستره متنوعی از بازی‌ها آغاز شده است (روجک، ۲۰۰۰: ۱۱۵). وی در تحلیل فراغت نوعی رویکرد کنش را پیش می‌کشد. این رویکرد، فراغت را تابع تفسیر ذهنی افراد و معنایی که فراغت برای آنها دارد، می‌داند و در پی یکپارچه کردن مؤلفه‌های انگیزش، مکان و بستر است. مکان به شرایط بدون واسطه‌ی علیت اطلاق می‌شود که نوعی انتخاب و کنش فراغت را در پی دارد و بستر صحنه‌ای است که مکان در آن قرار دارد. مکان نقطه کانونی انتخاب و کنش فراغت است و در مکان است که

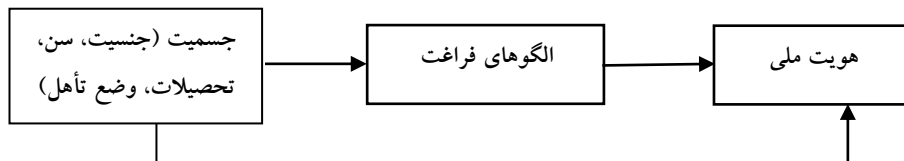
آگاهانه به دنبال وسایل و اهداف انتخاب‌های فراغت خود بر می‌آییم. اما محدود کردن مطالعه فراغت به بررسی پویش‌های مکانی به هیچ وجه کافی نیست. توانایی و دانش همواره جزء پیش شرط‌های کنش به شمار می‌آید. علاوه بر این، بسیج این منابع و بیان آن‌ها نیز همواره به صورت مشروط و در چارچوب الگوهای خاص درک می‌شود (روجک، ۱۳۸۸: ۲۷). مسیرهای فراغت صرفاً نشان دهنده سرمایه‌گذاری شخصی افراد در جست‌وجوی کسب رضایت خاطر درونی نیستند، بلکه افراد را براساس معیارهای طبقاتی، فرهنگی، جنسیتی، دینی و منزلتی نیز طبقه‌بندی می‌کنند (روجک، ۲۰۰۶: ۳۷۲).

روجک، در چارچوب رویکرد کنش به بررسی اصول پایه تجربه فراغت می‌پردازد. رویکرد کنش، با پشتیبانی از نقش فراغت در ارتقای سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره، از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن، این قبیل ابتکارها را گسترش می‌دهد (روجک، ۱۳۸۸: ۲۸). بنیان رویکرد کنش، پذیرش جسمیت و مکانیت کنشگران فراغت و پیامدهای آن است. منظور از جسمیت این است که کنش‌های هر فردی تحت تأثیر ترکیب ژنتیک، خصوصیات ذهنی - جسمی، دور اولیه زندگی فرد، جنسیت، طبقه، منزلت و سایر مناسبت‌های قدرت است. مُراد از مکانیت، این است که هر فردی از لحاظ فرهنگی و فضایی در یک موقعیت قرار دارد و این موقعیت با باورها، ارزش‌ها و شبکه روابط متمایز پیوند دارد (روجک، ۲۰۰۶: ۷۹). از نظر روجک فراغت، رفتاری داوطلبانه است. انتخاب، آزادی و داوطلب بودن، مؤلفه‌های پایه‌ای روایت فراغت را تشکیل می‌دهند. به نظر روجک، تجربه فراغت شامل مجموعه‌ای از کارکردها است که چهار کارکرد اصلی آن‌ها عبارتند از: بازنمایی، هویت، کنترل و مقاومت. تجربه فراغت از طریق بازنمایی به رفتارها، آرایش مضمونی می‌دهد و شاخص‌های کنش و تعلق را پدید می‌آورد. الگوها و تجارب فراغت آینه ادغام و حذف‌های اجتماعی است و نوع شخصیت، هم‌نشینان و تعلقات اجتماعی افراد را به دیگران نشان می‌دهد. تجربه فراغت از طریق شکل دادن هویت، حدود دربرگیرندگی و حذف را مشخص می‌کند که پشتیبان شناخت و روابط تعلق است. تجربه فراغت از طریق مقاومت به بسیج منابع علیه کارگزاران کنترل و نظام‌های قدرت آن‌ها می‌پردازد (روجک، ۲۰۰۶: ۱۲۵). الگوهای فراغتی می‌تواند به مکانیسمی در جهت جذب و ادغام اجتماعی عمل کرده و افراد را به شهروند فعال و یا به افراد منفعل بریده از اجتماع بدل کند. به باور روجک، در جامعه‌ای که بازار، دولت و رسانه‌های گروهی در بازنمایی و تنظیم رفتارهای فراغت نقش تعیین‌کننده دارد، رفتارهای فراغتی پایه مهمی برای



ساخت و تبادل هویت و سبک زندگی است. بازار به گونه‌ای قوی با تبدیل فراغت به زائده‌ای از فرهنگ مصرف گرایش دارد. با استاندارد شدن هویت در فرایند جهانی شدن، گزینه‌های محلی و ملی اهمیت‌شان را از دست می‌دهند. در بیشتر موارد تجربه فراغت آمیزه‌ای از این کارکردهاست (روجک، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

بر اساس مباحث فوق، الگوهای فراغت خصوصاً الگوهای مدرن، به‌عنوان مهم‌ترین عرصه تجربه و تعامل اجتماعی، متضمن ایجاد هویت اجتماعی بوده و در تکوین شخصیت و هویت، تأثیر ژرفی را بر جای می‌گذارد. بنابراین الگوهای فراغت یکی از ابزارهای اساسی است که فرد به وسیله آن روایت معینی از هویت اجتماعی را محفوظ می‌دارد و در عین حال خود وی نیز از ورای همین روایت «در معرض دید» دیگران قرار می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد، روجک، دلالت‌ها و پیامدهای هویتی فراغت را در ارتباط با جسمیت در نظر می‌گیرد که این متغیر به نوعی بر عوامل زمینه‌ای نظیر جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و سن دلالت دارد. در مدل نظری شماره ۱ ارتباط این متغیرها آمده است.



نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ها

- بین الگوهای فراغت و گرایش به هویت ملی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان سن و گرایش به هویت ملی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و گرایش به هویت ملی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- گرایش به هویت ملی جوانان برحسب جنسیت آنان متفاوت است.
- گرایش به هویت ملی جوانان برحسب وضعیت تأهل آنان متفاوت است.

روش‌شناسی پژوهش

۱- تعریف‌های نظری و عملیاتی‌سازی متغیرها

۱-۱- متغیر وابسته (هویت ملی)

هویت ملی، بر احساس تعلق خاطر و تعهد اخلاقی نسبت به درون‌گروه به همراه درک زمینه رقابت بین گروهی دلالت دارد. با توجه به ماهیت چند بُعدی و کیفی هویت ملی

و با تأسی از رویکرد نظری تاجفل و مطالعات تجربی دوران (۱۳۸۱) هویت ملی در ابعاد سه‌گانه‌ی اشتراک درون‌گروهی (مشترکات ملی)، جذب درون‌گروهی، و تعهد گروهی عملیاتی شده است: بُعد اشتراک درون‌گروهی (مشترکات ملی): اشتراک در عقاید و ویژگی‌های مشترکی است که فرد خود را با آن باز می‌شناسد. هویت‌یابی با «ما»ی جمعی، علاوه بر تاریخ و خاطرات مشترک، هم‌فکری را به اجتماع اعطا می‌کند که لازمه هر نظم اجتماعی برای حفظ «ما» است (چلبی، ۱۳۷۸: ۲۱). منظور از بُعد جذب درون‌گروهی، اهمیت احساسی هویت است؛ نوعی احساس تعلق و متعاقب آن احساس تعهد و وظیفه به دیگران و وفادرای به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آنان. منشاء تعهد نوعی علاقه و وابستگی عاطفی و دل‌بستگی عاطفی است. همدلی یا احساس تعلق مشترک، خیرمایه اصلی «ما» و فقدان حداقلی آن به معنای اضمحلال «ما» به «من»‌ها محسوب می‌شود. بُعد تعهد گروهی، میزانی که اعضای گروه احساس می‌کنند با گروه پیوندهایی قوی دارند و حاضر هستند برای آن یا به خاطر آن از خود مایه بگذارند (دوران، ۱۳۸۱: ۵۷). شاخص ترکیبی هویت ملی شامل ۱۸ گویه است. تعاریف عملیاتی و نتایج آزمون پایایی شاخص هویت ملی در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: سطح سنجش، گویه‌ها و تعداد شاخص و آزمون پایایی

معرف‌های شاخص هویت ملی

ابعاد	گویه‌ها	سطح سنجش	تعداد شاخص	آزمون پایایی
۱.۱.۱. درون‌گروهی	سرنوشت هرکس از جمله سرنوشت خود من به سرنوشت دیگر هم‌وطنان بستگی دارد، آینده من به آینده کشورم گره خورده است، فکر می‌کنم پیوندهای قوی با هم‌وطنانم دارم، موفقیت یا شکست من هیچ ربطی به سایر ایرانی‌ها ندارد، شکست یا موفقیت بقیه ایرانی‌ها، هیچ ربطی به من ندارد.	۳	۵	۰/۸۶۱
۱.۱.۲. درون‌گروهی	بخواهم در کاری شریک شوم و امکان شراکت با خارجی‌ها را هم داشته باشم، فکر می‌کنم در شرایط مساوی شراکت با هم‌وطنم را ترجیح دهم، اگر می‌توانستم همکارانم را خودم از هر ملیتی انتخاب کنم، هم‌وطنانم را بر هر ملیتی ترجیح می‌دادم، فکر می‌کنم اسرائیل یکی از مهم‌ترین دشمنان ایران است، اگر در موقعیتی باشم که بخواهم کسی را برای کاری استخدام کنم، هم‌وطنانم را بر هر ملیتی ترجیح می‌دهم.	۳	۷	



	۶	۱۶ ۱۳۹۵	زندگی در ایران را به هر جای دیگر دنیا ترجیح می‌دهم، افتخار می‌کنم ایرانم، فکر می‌کنم مردم ایران خوب‌ترین مردم دنیا هستند، در صورت تهاجم نظامی دشمن به کشور، من نیز مانند هر ایرانی تا حد توانم از وطنم دفاع خواهم کرد، اگر دولت برای کم کردن یا رفع مشکلات کشور احتیاج به کمک مالی داشته باشد، حاضرم در حد توانم به دولت قرض دهم.	فراغت ۱۳۹۵
--	---	------------	---	---------------

۲-۱- متغیر مستقل (الگوهای فراغت)

اوقات فراغت: فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (تورکیلدسن، ۱۳۸۲: ۱۰۸). در این پژوهش، تجربه فراغت در الگوهای عادی و غیرعادی مفهوم‌سازی شده است. فراغت عادی شامل دو بُعد جدی و غیرجدی است: در تجربه فراغت جدی منفعت‌های ماندگاری چون خودشکوفایی، خودغنابخشی، تقویت خودانگاره و افزایش همبستگی وجود دارد. فراغت غیرجدی، فعالیت غیرحرفه‌ای اختیاری به انگیزه‌ی رسیدن به رضایت درونی، لذت یا استفاده از فرصت‌ها و فاقد سازمان‌دهی سامانه‌ای و منظم و عدم اتکا به فعالیت برنامه‌مند است (روجک، ۱۳۸۸: ۲۶۰). فراغت غیرعادی، الگوها و تجربه‌هایی از فراغت است که به خود و دیگران آسیب می‌رساند و در اغلب موارد آسیب قلمداد می‌شود (روجک، ۲۰۰۲: ۷۶). روجک، فراغت غیرعادی را در ابعاد تهاجمی، زهرآگین و وحشیانه مفهوم‌سازی کرده است. از نظر روجک، این سه نوع اصلی در جوامع سکولار وجود دارد، لذا با توجه به بافت دینی میدان مورد مطالعه و مقتضیات متفاوت جوانان ایرانی بعد از مطالعات اکتشافی و لحاظ کردن این تفاوت‌ها، فراغت غیرعادی در قالب دو الگوی نابهنجار و غیرقانونی مفهوم‌سازی شده است. بُعد نابهنجار، رفتارهایی است که فرد از ایجاد روابط پربار و غنی با دیگران باز ماند. بُعد غیرقانونی، برخی فعالیت‌ها نظیر مصرف مواد مخدر است که در حقیقت غیرقانونی محسوب می‌شود، اما این فعالیت‌ها را می‌توان به مثابه فعالیت‌های فراغتی فهم کرد و بیش از آن‌که آن‌ها را فعالیت‌هایی مجرمانه و منحرفانه خواند (هریس، ۱۳۹۳: ۳۲۹). با اذعان به ماهیت پیچیده و چندبُعدی الگوهای گذران اوقات فراغت و با تأسی از مطالعات تجربی مرتبط (استینز، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱؛ روجک، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶)، الگوهای فراغت عادی (در ابعاد جدی و غیرجدی) و فراغت غیرعادی

(در ابعاد نابهنجار و غیرقانونی) در سطح ترتیبی و در قالب ۳۶ گویه سنجیده شده است. تعاریف عملیاتی و نتایج آزمون پایایی شاخص الگوهای فراغت در جدول شماره ۲ آمده است. هم‌چنین برای بالا بردن اعتبار پرسش‌نامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با بهره گرفتن از نقطه نظرات و مشاورت صاحب‌نظران بررسی شد. علاوه بر این، در تدوین سؤالات یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی از سؤالات مشابهی که در پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود، استفاده شد. در مرحله بعد، از آن جا که برای تجزیه و تحلیل داده، نیاز به شاخص سازی بود، از روش اعتباریابی شاخص‌ها استفاده و از این طریق معرف‌های مناسب برای ساخت شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش اعتبار درونی شاخص‌ها از روش تحلیل گویه، استفاده شد.

جدول شماره ۲: سطح سنجش، گویه‌ها و تعداد شاخص و آزمون پایایی معرف‌های شاخص فراغت

فراغت	ابعاد	گویه‌ها	سطح سنجش	تعداد شاخص	آزمون پایایی
فادی	۱۰	شرکت در اردوها و تورها، مسافرت، حضور در پایگاه‌های فراغتی، فعالیت‌های ورزشی، علمی، آموزشی، هنری، و مذهبی، سرگرمی‌ها و بازی‌های فکری، عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و غیره	ترتیبی	۱۰	۰/۸۹۷
	۱۱	شرکت در مهمانی‌های خانوادگی، تماشای ویتترین مغازه‌ها، بازی‌های محفلی، مصرف رسانه‌های جمعی و فراغت مجازی، رفتن به پارک و مجموعه‌های تفریحی، پرسه‌زنی، تماشای مسابقات ورزشی، انجام بازی‌های کامپیوتری، ماندن درخانه، ماشین‌رانی، گردش در طبیعت.	ترتیبی	۱۱	
غیر فادی	۷	گوشه‌گیری، تماشای فیلم‌های مستهجن، سیگار کشیدن، ولگردی و وقت تلف کردن، اعتیاد به رسانه‌های جمعی، خواب زیاد و غیره.	ترتیبی	۷	۰/۹۱
	۸	اعتیاد به مشروب و موادمخدر، عضویت در باندهای خلافکار، درگیری با دیگران، آتش‌بازی، ویراژ دادن با ماشین، ترساندن دیگران، مزاحمت تلفنی، تخریب اموال عمومی و غیره.	ترتیبی	۸	



۱-۳- روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کمی و با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده و با مراجعه حضوری به پاسخگو تکمیل شده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از تکنیک‌های کمی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ به طوری که پس از توصیف الگوهای فراغت جوانان، با استفاده از تکنیک‌های تحلیل دو متغیره و چند متغیری از جمله تحلیل رگرسیون سهم متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تعیین و مشخص شده است.

۱-۴- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال استان کردستان است که نمونه از میان جوانان سه شهر سنندج، قروه و بانه با نظر بابت به شرایط اقتصادی متفاوت به دلیل موقعیت جغرافیایی و تأثیرپذیری از اقتصاد مرزی نسبت به دیگر شهرهای استان انتخاب شده‌اند که جمعیت آن‌ها بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: جمعیت جوانان استان کردستان

حجم نمونه	زن	مرد	کل جمعیت	
۴۰۰	۱۳۸۹۹۶	۱۳۳۸۱۵	۲۷۲۸۱۱	استان
۱۸۰	۵۵۹۳۴	۵۴۴۷۴	۱۱۰۴۰۸	سنندج
۱۰۰	۹۹۵۴	۹۱۷۷	۱۹۱۳۱	قروه
۱۲۰	۱۱۵۸۸	۱۱۲۵۱	۲۲۸۳۹	بانه

(منبع: سالنامه آماری ۱۳۹۳ در سایت استانداری کردستان)

بر اساس فرمول کوکران، که در آن مقدار $t=1/96$ (تعداد اشتباه استاندارد لازم برای ضریب اطمینان قابل قبول)، $d=0/05$ ، (دقت احتمالی مطلوب)، و $S2=0/25$ (واریانس پدیده مورد مطالعه) بوده است. حجم نمونه ۳۸۱ نفر به دست آمد که جهت اطمینان بیشتر و جلوگیری از نقص پوشش و بی‌جوابی، ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است.

۱-۵- یافته‌ها و نتایج تحقیق

۱-۵-۱- ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی نمونه آماری

جمعیت نمونه این پژوهش بین ۱۸-۲۹ سال قرار دارد که ۳۶/۵ درصد در گروه سنی (۱۸-۲۱) و ۳۴/۷ درصد در گروه سنی (۲۲-۲۵) و بقیه در گروه سنی (۳۸-۴۵)

بوده‌اند. ۵۰ درصد پاسنخگویان مرد و ۵۰ درصد زن بودند. از نظر وضع تأهل، ۶۲/۳ درصد (۲۴۹ نفر) مجرد و ۳۷/۷ درصد (۱۵۱ نفر) متأهل بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات، ۳/۳ درصد بیسواد و ابتدایی، ۹/۵ درصد راهنمایی، ۱۰ درصد متوسطه، ۳۹/۵ درصد دیپلم، ۱۱ درصد کاردانی، ۲۴/۳ درصد لیسانس و ۲/۵ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس بودند. به لحاظ درآمد ۱۹/۸ درصد کمتر از ۷۰۰ هزار تومان، ۲۵/۳ درصد (۷۰۰ هزار تا یک میلیون تومان)، ۲۴/۳ درصد (۱ میلیون تا ۱/۵ میلیون تومان)، ۱۹ درصد (۱/۵ تا ۲/۵ میلیون تومان) و مابقی بالاتر از ۲/۵ میلیون تومان درآمد داشته‌اند.

۲-۵-۱- توصیف آماری شاخص و ابعاد هویت ملی جوانان

بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، میزان گرایش به هویت ملی در ۲۲ درصد از جوانان پایین، در ۶۲/۲ درصد متوسط و در ۱۵/۷ درصد در سطح بالا ارزیابی می‌شود. ابعاد سه‌گانه‌ی ابعاد هویت ملی بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ بالا ارزیابی می‌شود. چنانچه در جدول ۴ نشان داده شده است میانگین بُعد تعهد گروهی بالاتر از دو بعد دیگر هویت ملی است. توزیع درصدی ابعاد سه‌گانه‌ی هویت ملی نشان می‌دهد که در بُعد اشتراک درون‌گروهی، «پیوند قوی با هموطنان» و در بُعد تعهد به گروه «آمادگی دفاع از وطن در صورت تهاجم دشمن» و در بُعد جذب درون‌گروهی، «تلقی مردم ایران به‌عنوان بهترین مردم دنیا» بیشترین درصد موافقت را داشته‌اند.

جدول شماره ۴: توصیف آماری شاخص تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد هویت ملی^۱

شاخص‌های مرکزی	توزیع درصدی						هویت ملی	
	زیاد		متوسط		کم			
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
بعد جذب درون‌گروهی	۶۸/۴۸	۶۸	۱۷/۵	۷۰	۶۶	۲۶۴	۱۶/۵	۶۶
بعد تعهد گروهی	۷۱/۷۵	۷۱	۲۱/۳	۸۵	۶۴/۵	۲۵۸	۱۴/۲	۵۷
بعد اشتراک درون‌گروهی	۷۱/۴۸	۷۱	۱۰/۷	۴۳	۵۶	۲۲۴	۳۳/۲	۱۳۳
هویت ملی	۶۸/۸۴	۶۸	۱۵/۷	۶۳	۶۲/۲	۲۴۸	۲۲	۸۸

۱- به منظور سهولت فهم، میانگین هویت ملی و ابعاد آن بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده‌اند، صفر به معنای پایین‌ترین و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان هویت ملی است.



۳-۵-۱- توصیف آماری شاخص و ابعاد الگوهای گذران فراغت جوانان

بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵، بیش از یک سوم (۳۸ درصد) وقت جوانان به فراغت سپری می‌شود. در ابعاد فراغت عادی، فراغت غیرجدی (۴۶/۵) شدت بیشتری از فراغت جدی (۳۲/۰۱) دارد. هم‌چنین، ۳۶/۸ از وقت جوانان به فراغت غیرعادی اختصاص دارد. در میان ابعاد فراغت غیرعادی، فراغت نابهنجار (با میانگین ۴۲/۷) بیش‌تر از فراغت غیرقانونی (با میانگین ۳۱/۷) در نزد جوانان مورد بررسی نمود دارد. در میان ابعاد چهارگانه‌ی فراغت، بُعد غیرجدی جایگاه محوری و اولیه‌ای داشته و ابعاد نابهنجار، جدی و غیرقانونی در مراتب بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند. توزیع درصدی ابعاد الگوهای اوقات فراغت در بین نمونه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که در بُعد اوقات فراغت جدی، حضور در مسجد (۲ ساعت در هفته) دارای بالاترین میانگین و عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های هنری (موسیقی، تئاتر و...) به ترتیب با ۰/۲۱ و ۰/۲۸ ساعت در هفته دارای کمترین میانگین را داشته است. دفعات مسافرت در سال (با میانگین ۲/۰۴) و شرکت در فعالیت‌های ورزشی (با میانگین ۱۱/۱) پایین است.

در بُعد اوقات فراغت غیرجدی، ماندن در خانه (۲۰/۶۴ ساعت در هفته) بالاترین میانگین و استفاده از تلفن همراه، تلویزیون و اینترنت در مراتب بعدی قرار داشته‌اند. خرید اینترنتی، حضور در قهوه‌خانه و کافه تریا و غیره، حضور در بازی‌های جمعی و محفلی به ترتیب کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین در بُعد اوقات فراغت نابهنجار، به ترتیب خواب زیاد، گوشه‌گیری و تنهایی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی چون تلگرام، و قلیان کشیدن بالاترین میانگین و سیگار کشیدن، و قدم زدن تنهایی و بدون هدف در خیابان پایین‌ترین میانگین را داشته‌اند. در بُعد اوقات فراغت غیرقانونی نیز به ترتیب آتش‌بازی و ترقه‌بازی، رانندگی با سرعت زیاد در خیابان‌ها و لطمه زدن به وسایل عمومی بالاترین میانگین و مزاحمت تلفنی، مصرف مشروبات الکلی و درگیری و خشونت با دیگران کمترین میانگین را داشتند.

جدول شماره ۵: توصیف آماری شاخص تشکیل دهنده‌ی آماره‌های الگوهای فراغت^۱

شاخص‌های مرکزی	توزیع درصدی						ابعاد	فراغت	
	زیاد		متوسط		کم				
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
انحراف معیار	میانگین	۷	۲۸	۲۲/۲	۸۹	۷۱	۲۸۳	جدی	عادی
۱۰/۶۴۲	۳۲/۰۱	۲۲/۵	۹۰	۳۵/۵	۱۴۲	۴۲	۱۶۸	غیرجدی	
۱۲/۵۹۵	۴۶/۵	۱۲/۲۵	۴۹	۲۶	۱۰۴	۶۱/۷۵	۲۴۷	کل	
۱۷/۰۳	۳۹/۲	۵/۷۵	۲۳	۱۶/۵	۶۶	۷۷/۷۵	۳۱۱	نابهنجار	غیرعادی
۶/۹۳۶	۴۲/۷	۴	۱۶	۱۵	۶۰	۸۱	۳۲۴	غیرقانونی	
۶/۷۷۳	۳۱/۲	۴/۲۵	۱۷	۱۴	۵۶	۸۱/۷۵	۳۲۷	کل	
۱۲/۳۰۵	۳۶/۹								

۴-۵-۱- تحلیل دو متغیری هویت ملی با متغیرهای مستقل

بر اساس نتایج تحلیل‌های دو متغیری که در جدول شماره ۶ آمده است، می‌توان گفت که هویت ملی با متغیرهای الگوهای فراغت، سن و تحصیلات رابطه معناداری دارد که با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده، رابطه فراغت عادی و ابعاد آن، سن و تحصیلات با هویت ملی مثبت و مستقیم است که با افزایش هر یک از این متغیرها هویت ملی نیز تقویت می‌شود. در حالی که رابطه فراغت غیرعادی و ابعاد آن با متغیر هویت ملی منفی است؛ یعنی با افزایش الگوی فراغت غیرعادی، هویت ملی تضعیف می‌شود.

جدول شماره ۶: سنجش رابطه هویت ملی با متغیرهای مستقل

هویت ملی			متغیر مستقل
معنی‌داری	گاما	کنندال تاو بی	
۰/۰۰۰	۰/۴۵۲	۰/۴۳	جدی
۰/۰۰۰	۰/۳۲۹	۰/۳۱	غیرجدی
۰/۰۰۰	۰/۴۰۲	۰/۳۸	شاخص ترکیبی فراغت عادی
۰/۰۰۰	-۰/۳۵۱	-۰/۳۳۱	نابهنجار
۰/۰۰۰	-۰/۳۰	-۰/۲۸	غیرقانونی
۰/۰۰۰	-۰/۳۳۷	-۰/۳۱۴	شاخص ترکیبی فراغت غیرعادی
۰/۰۰۰	۰/۳۷	۰/۳۴۴	سن
۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	۰/۲۸۷	تحصیلات

۱- به منظور سهولت در فهم، میانگین الگوهای فراغت بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده است، صفر به معنای پایین‌ترین و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان الگوهای فراغت است.



جدول شماره ۷ رابطه بین ابعاد الگوهای فراغت با ابعاد هویت ملی را نشان می‌دهد. براساس آن، فراغت عادی و غیرعادی بیشترین همبستگی را با بُعد جذب درون‌گروھی هویت ملی دارد. در این میان تأثیر فراغت عادی بر جذب درون‌گروھی بیش‌تر از فراغت غیرعادی است. هم‌چنین، در میان ابعاد فراغت عادی، بیش‌ترین تأثیر بر ابعاد سه‌گانه هویت ملی مربوط به فراغت جدی است. در میان ابعاد غیرعادی، بُعد نابهنجار بیش‌ترین تأثیر منفی بر ابعاد جذب درون‌گروھی و اشتراک درون‌گروھی را دارد.

جدول شماره ۷: سنجش رابطه‌ی ابعاد هویت ملی با ابعاد الگوهای فراغت

اوقات فراغت	ضرایب همبستگی	ابعاد هویت ملی	
		اشتراک درون‌گروھی	جذب درون‌گروھی
جدی	کندال تاوویی	۰/۳۹۱	۰/۴۶۳
	گاما	۰/۴۰۸	۰/۴۹
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
غیر جدی	کندال تاوویی	۰/۲۹۴	۰/۳۲
	گاما	۰/۳۱۱	۰/۳۴۱
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
عادی	کندال تاوویی	۰/۳۵۲	۰/۳۹۴
	گاما	۰/۳۶۸	۰/۴۱۶
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نابهنجار	کندال تاوویی	-۰/۳۱۵	-۰/۳۳۵
	گاما	-۰/۳۴۲	-۰/۳۵۱
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
غیر قانونی	کندال تاوویی	-۰/۲۹	-۰/۳۳
	گاما	-۰/۳۱۲	-۰/۳۴۵
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
غیر عادی	کندال تاوویی	-۰/۳۲۴	-۰/۳۴۴
	گاما	-۰/۳۳۷	-۰/۳۵۱
	معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

۵-۱-۵- بررسی تفاوت میانگین هویت ملی بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

براساس نتایج تحلیل‌های تفاوت میانگین که در جدول شماره ۸ آمده است، می‌توان گفت میانگین هویت ملی در دو گروه جوانان زن و مرد تفاوت معناداری با هم ندارد.

اما میانگین هویت ملی در دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری با هم دارد و میانگین هویت ملی افراد متأهل بالاتر از میانگین افراد مجرد است.

جدول شماره ۸: تفاوت میانگین هویت ملی برحسب جنسیت و وضعیت تأهل

معناداری	درجه آزادی	مقدار t	میانگین		متغیر
			مرد	زن	
۰/۰۸	۳۹۸	۱/۷۱۷	۳۷/۲	۳۷/۹	جنسیت
۰/۰۰۴	۳۹۸	-۲/۰۸	۳۶/۵	۳۸/۶	وضعیت تاهل

۶-۵-۱- تحلیل چند متغیره هویت ملی

به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل و تنظیم معادله پیش‌بینی، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. براساس داده‌های جدول شماره ۹ از میان متغیرهای مستقل، فراغت جدی روی هویت ملی جوانان اثر مستقل زیادی گذاشته و بیشترین مقدار از تغییرات آن را و به تنهایی ۲۱/۷ درصد واریانس هویت ملی را تبیین می‌کند. در مرحله دوم متغیر سن وارد معادله شده است که قدرت تبیین معادله را به ۲۷/۵ درصد می‌رساند و در مرحله سوم متغیر فراغت نابهنجار به معادله اضافه شد و این متغیر نیز توانست قدرت تبیین معادله را ۳۱/۷ درصد برساند و چهارمین متغیر وارد شده فراغت غیرجدی قدرت تبیین تغییرات هویت ملی را به میزان ۳۴/۹ درصد را بالا برد، متغیر بعدی که وارد معادله شده است فراغت غیرقانونی است که قدرت تبیین معادله را به ۳۷/۲ درصد افزایش داده است و با وارد شدن متغیر تحصیلات قدرت معادله برای تبیین تغییرات هویت ملی به ۳۹/۱ درصد رسیده است. در مجموع متغیرهای مذکور با هم ۳۹/۱ درصد تغییرات هویت ملی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۹: رگرسیون گام به گام شاخص هویت ملی جوانان

متغیرها	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	معناداری	مقدار R Square جمعی
فراغت جدی	۹۳/۸۵۸	۰/۳۲۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۷
سن	۸۹/۳۰۴	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۷۵
فراغت نابهنجار	۷۴/۴۷۷	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۰	۰/۳۱۷
فراغت غیرجدی	۶۹/۰۶۰	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹
فراغت غیرقانونی	۵۷/۸۲۹	-۰/۱۹۶	۰/۰۰۰	۰/۳۷۲
تحصیلات	۵۴/۱۳۷	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰	۰/۳۹۱



نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی میزان گرایش به هویت ملی و رابطه‌ی آن با الگوهای گذران فراغت جوانان بود. جوانان همواره به‌عنوان قشری پیشرو و پذیرای تغییرات اجتماعی و فرهنگی، جایگاه قابل توجه و اثرگذاری در پویای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این‌رو، واکاوی جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و کنشی و نظام ارزشی جوانان، گامی مؤثر در تبیین و پیش‌بینی مرزبندی‌های هویتی نسل جوان به‌شمار می‌آید. با پذیرش ماهیت بطئی و تدریجی تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تغییرات مذکور در لایه‌ها و رده‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه نسل جوان از سرایت بیش‌تری برخوردار است. در کنار ابعاد سخت‌افزاری تغییرات، وجوه معرفتی و نرم‌افزاری (ارزش‌ها و هویت‌های جمعی) از پایایی و اثرگذاری بیش‌تری برخوردار است. یکی از مجراها و منابع جدید تغییر در مرزبندی‌های هویتی و سبک زندگی، اوقات فراغت است. در دوران فعلی پیوند و برهم‌کنش فراغت و هویت به امری بدیهی و جدی مبدل شده است. «افراد در زمان فراغت خود واقعی را نشان می‌دهند. در نتیجه الگوهای فراغت را می‌توان مبنای خوبی برای سنجش علایق و اولویت‌های یک نسل یا گروه دانست» (سروش، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

بر مبنای یافته‌های مطالعه‌ی حاضر، بیش از یک سوم (۳۸ درصد) وقت جوانان به فراغت سپری می‌شود. بررسی الگوهای گذران فراغت و ابعاد آن نشان می‌دهد که فراغت عادی در نزد جوانان شدت بیش‌تری از فراغت غیرعادی دارد. در میان ابعاد فراغت عادی و غیرعادی، بالاترین میانگین به فراغت غیرجدی اختصاص دارد؛ و این مسأله مؤید آن است که تجربه‌ی فراغتی جوانان عمدتاً معطوف به سرگرمی، لذت‌طلبی و وقت‌گذرانی است. علاوه بر این، گویه‌های اوقات فراغت غیرجدی، نشان از گسترش فردی شدن سبک‌های فراغتی در بین جوانان مورد بررسی دارد و این مسأله با نظر به بافت و مختصات فرهنگی و اجتماعی میدان مورد مطالعه، پیامدهای آسیب‌زایی بر تعلقات و تعهدات گروهی و مناسبات اجتماعی جوانان به دنبال دارد.

در این مطالعه، دومین الگوی فراغتی مورد بررسی، مربوط به فراغت غیرعادی بود. یافته‌ها نشان داد که ۳۷ درصد از الگوهای فراغتی پاسخگویان، ماهیت غیرعادی دارد. به عبارتی، آن‌ها فراغت خود را در مهمانی‌های دوستانه یا پرسه‌زنی در خیابان‌ها و پاساژها می‌گذرانند و کمتر فراغت خود را در محیط‌های فرهنگی، علمی یا مذهبی بهنجار سپری می‌کنند. بعد از فراغت غیرجدی، الگوی نابهنجار فراغت، الگوی غالب فراغتی در نزد جوانان به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، فراغت این دسته از جوانان

معطوف به خواب زیاد، گوشه‌گیری و تنهایی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه، کشیدن سیگار و قلیان و پرسه‌زنی است. یافته‌های مذکور به نوعی مؤید آسیب‌زا شدن الگوهای فراغتی در جمعیت آماری است. با نظر به پیوند الگوهای جدید فراغت (در ابعاد غیرجدی و غیرعادی) با رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی (استینز، ۲۰۱۱: ۱۴۹؛ روجک، ۲۰۰۲: ۸۷)، دسترسی و مصرف بالای رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در مسأله‌زا شدن الگوهای فراغتی جوانان و معطوف شدن آن به فراغت غیرجدی و نابهنجار بی‌تأثیر نبوده است. دو فرایند رسانه‌ای شدن و خانگی شدن، توصیف‌کننده‌ی گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان در جوامع معاصر است. جوانان فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری و برای سرگرم شدن به طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جدید متکی هستند و از اجتماع و جامعه‌ی خود به نحوی دور هستند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۲). تجربه فضای مجازی برای جوانان پیامدهایی بر تعلقات جمعی و مرزبندی‌های هویتی به دنبال داشته است؛ بهره‌مندی جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب شده است جوانان بخش عمده‌ای از اوقات فراغت خود را در قالب‌های جدید فراغتی فضای مجازی سپری کنند و دامنه‌ی روابط خود را به دور از محدودیت‌های جهان واقعی گسترش دهند.

براساس نتایج تحقیق، رایانه‌ای شدن و موبایلی شدن ارتباطات، الگوهای فراغت جوانان را متحول کرده و به تبع آن فرایند هویت‌یابی را تحت‌الشعاع قرار داده است که این امر گزینه‌ها و ابزارهای جدید و در عین حال فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی نیز فراروی هویت‌یابی جوانان گذاشته است. روجک معتقد است که تجربه فراغت آکنده از نبردهای اخلاقی است؛ زیرا به طور مرتب این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیز برای شما و دیگران خوب است (روجک، ۱۳۸۸: ۳۲۰). به همین علت، بعضی از الگوهای فراغت غیرجدی و نابهنجار به علت انطباق نداشتن با چارچوب‌های متعارف و رسمی، چالش‌های اخلاقی بسیاری را در جامعه ایجاد کرده و تهدیدی برای هویت‌یابی جوانان به‌شمار می‌رود. هر چند برمبنای یافته‌های موجود، میزان گرایش جوانان به هویت ملی در ابعاد سه‌گانه‌ی آن در حد متوسط (۶۲/۲ درصد) است ولی هنوز در ۲۲ درصد از جوانان، احساس تعلق، تعهد و وفاداری به نشانگان هویت ملی در حد پایین است و فقط در ۱۵/۷ درصد از آنان تعلقات ملی از شدت بالایی برخوردار است و این مسأله قابل اعتنا است. برمبنای مفروضات نظری مطالعه‌ی حاضر، یکی از کارکردها و دلالت‌های مهم فراغت، هویت‌یابی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. برمبنای یافته‌های موجود،



فراغت عادی و ابعاد آن رابطه‌ی مثبتی با هویت ملی دارد؛ بدین معنا با عادی شدن تجربه فراغتی جوانان و شدت یافتن فراغت عادی، تعلقات ملی جوانان نیز تقویت می‌شود؛ درحالی که رابطه الگوی فراغت غیرعادی و ابعاد آن با هویت ملی، منفی است؛ یعنی با افزایش فراغت غیرعادی، تعلقات ملی تضعیف می‌شود. این یافته همسو با مطالعات تجربی (ایمان و بوستانی، ۱۳۹۲: ۲؛ دوران، ۱۳۸۱: ۵۴؛ واتیمو، ۲۰۰۳: ۹؛ تیمس، ۲۰۰۲: ۷۰؛ ایوازگی، ۲۰۰۸: ۲۳۱؛ کیول و کلایبر، ۲۰۰۰: ۲۱۵) است. نتایج مطالعه‌ی ساروخانی و ملکیان (۱۳۹۰) نیز نشان داد که فراغت مجازی، ورزشی و ماهواره محور تأثیر منفی و معکوس بر هویت ملی، و فراغت مذهبی در هویت ملی تأثیری مثبت داشته است.

بر مبنای یافته‌های مطالعه‌ی حاضر، در میان ابعاد سه‌گانه هویت ملی، میانگین بُعد جذب درون‌گروهی پایین‌تر از ابعاد اشتراک درون‌گروهی و تعهد گروهی است. بررسی رابطه‌ی الگوهای گذران فراغت با ابعاد هویت ملی نشان داد که الگوهای فراغت عادی و غیرعادی بیش‌ترین تأثیر را بر بُعد جذب درون‌گروهی هویت ملی دارد. در این میان تأثیر فراغت عادی بر بُعد جذب درون‌گروهی بیش‌تر از فراغت غیرعادی است. در میان ابعاد فراغت غیرعادی، بُعد نابهنجار بیش‌ترین اثر منفی بر بُعد جذب درون‌گروهی و اشتراک درون‌گروهی را دارد. بُعد جذب درون‌گروهی، ناظر بر همدلی، احساس تعلق و دلبستگی عاطفی به اجتماع جامعه‌ای و بُعد اشتراک درون‌گروهی، ناظر بر همفکری با اجتماع جامعه‌ای و ملی است. همدلی یا احساس تعلق مشترک، خمیرمایه اصلی «ما»ی جمعی عام محسوب می‌شود.

روح، الگوهای فراغتی و دلالت‌های هویتی آن را در چارچوب مفهوم جسمیت (خصوصیات ذهنی - جسمی، دور اولیه زندگی فرد، جنسیت، طبقه، منزلت و سایر مناسبت‌های قدرت) تحلیل کرده است. نتایج پژوهش حاضر گویای آن است که میانگین هویت ملی افراد متأهل بالاتر از افراد مجرد است و این مسأله به نوعی با عادی شدن فراغت افراد متأهل در ارتباط است. هم‌چنین، هویت ملی با سطح تحصیلات و سن پاسخگویان رابطه‌ی مثبت معناداری دارد. این یافته مؤید مطالعات تجربی (ساروخانی و ملکیان، ۱۳۹۲: ۱۶۶؛ ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۰۹؛ ویل، ۲۰۰۲: ۴۰۴) است.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که به ترتیب اهمیت، متغیرهای فراغت جدی، سن، فراغت نابهنجار، فراغت غیرجدی، فراغت غیرقانونی و تحصیلات، در مجموع ۳۹/۱ درصد تغییرات هویت ملی را تبیین می‌کنند. به‌طور کلی، با افزایش فراغت غیرعادی از تعلقات ملی کاسته و با افزایش فراغت عادی بر میزان آن افزوده می‌شود.

نقش فراغت جدی در تبیین هویت ملی بیش از سایر متغیرهاست. الگوی فراغت غیرعادی با توجه به تبعات منفی آن بر اشتراکات، تعاملات و تعلقات جمعی ماهیت پردکنندگی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که یک سوم از جوانان مورد بررسی، تجربه‌ی فراغت غیرعادی دارند. با نظر به آسیب‌پذیری الگوی فراغت غیرجدی و الگوی فراغت غیرعادی، ضرورت دارد تا نگاه متعارف به فراغت به مثابه امری فرعی امور جدی و ضروری و تلقی فراغت به‌عنوان انتخاب و سلیقه فردی، تغییر پیدا کند و به مثابه فعالیت کارکردی در نظر گرفته شود که به میانجی آن می‌توان اهداف اجتماعی تعریف شده‌ای چون تعاون، همبستگی اجتماعی، درک متقابل و بهزیستی جسمی و روانی را تحقق بخشید. علاوه بر این، با نظر به ماهیت پیچیده، سیال و متنوع الگوهای گذران فراغت ضرورت دارد تا شناسنامه فراغتی برای گروه‌های سنی مختلف به‌ویژه نوجوانان و جوانان که با انتخاب‌های هویتی گریبانگیر هستند، تدوین شود تا ضمن شناسایی سلايق و ذایقه‌های نسل جوان، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی صورت پذیرد. از این‌رو، تدوین سند جامع الگوهای گذران فراغت با لحاظ الگوهای بومی و منطقه‌ای در راستای تقویت تعلقات اجتماعی، همبستگی، اجتماع جامعه‌ای و هویت ملی ضرورتی انکارناپذیر است. از آن جایی که انتخاب سبک‌های زندگی در شکل‌گیری هویت‌های فردی در جامعه معاصر دارای نقشی اساسی است، در نتیجه اوقات فراغت بستر مناسبی برای تکوین و بازاندیشی هویتی محسوب می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود الگوها و تجارب فراغتی آحاد جامعه به شکل عالمانه واکاوی گردد تا رفتار فراغتی متناسب با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه تقویت شود.

منابع

- ایمان، محمدتقی؛ بوستانی، داریوش (۱۳۹۲)؛ «تحلیل کیفی پیوند فراغت و هویت در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شیراز»، *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، س ۷، ش ۲، صص ۱-۱۸.
- تورکیلدسن، جورج (۱۳۸۲)؛ *اوقات فراغت و نیازهای مردم*، ترجمه عباس اردکانیان و عباس حسینی، تهران: نوربخش.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸)؛ *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- دان، رابرت (۱۳۸۴)؛ *نقد اجتماعی پست‌مدرنیته بحران‌های هویت*، ترجمه صالح نجفی، تهران: پردیس دانش.
- دلینی، تیم (۱۳۸۸)؛ *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرنگ صدیقی، تهران: نشر نی.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک*، تهران: پژوهشگاه ارتباطات.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ مطالعات جوانان*، تهران: آگه.



- ربانی خوراسگانی، رسول؛ شیری، حامد (۱۳۸۸): «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت در جوانان تهران»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، س ۲، ش ۴، صص ۲۰۹-۲۴۲.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۲): «فراغت و ارزش‌های فرهنگی»، *تحقیقات فرهنگی*، س ۲، ش ۱، صص ۱۹۰-۱۵۱.
- روجک، کریس (۱۳۸۸): *نظریه فراغت: اصول و تجربه‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر شهر.
- ساروخانی، باقر و همکاران (۱۳۹۲): «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر گذران فراغت در تکوین هویت ملی جوانان»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، س ۴، ش ۳، صص ۴-۲۱.
- ساروخانی، باقر؛ ملکیان، محمد (۱۳۹۰): «رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی جوانان شهر تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، س ۱، ش ۲، صص ۱۶۶-۱۸۵.
- سروش، مریم (۱۳۹۳): «الگوهای فراغتی جوانان و هویت و سبک تربیتی، مطالعه موردی شهر شیراز»، *مطالعات ملی*، س ۱۵، ش ۳، صص ۱۵۰-۱۷۷.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳): *میانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه‌ی کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- علی‌خواه، فردین (۱۳۸۶): «پیامدهای سیاسی مصرف‌گرایی»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، س ۲، ش ۲، صص ۲۳۱-۲۵۶.
- کفاشی، مجید؛ پهلوان، منوچهر؛ عباس‌نژاد عربی، کاظم (۱۳۸۹): «بررسی تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی جوانان شهر بابل»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، س ۳، ش ۹، صص ۱۱۷-۱۳۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، استان کردستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- هریس، دیوید (۱۳۹۳): *مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت*، ترجمه محمدسعید ذکایی، سنا چاوشیان، تهران: نشر تیس، چاپ دوم.
- Veal, j. Anthony (1993); *Lifestyle Leisure and Neighbourhood In: Veal, A j. Anthony. P. and Cushman G. (eds) Leisure and Touris: Social and Environmental Change*. World Leisure and Recreation Association 1991 Congress Proceedings. Center fir Leisure and Tourism Studies, University of Technology, Sydney, 404-413.
- ----- (2002); *Socity and Lisure*, V.24, autumn, university of technology, Sydney.
- Rojek, C. (2006); *Leisure, Culture and Civilization*, A handbook of Leisure Studies Palgrave Macmillan Ltd.
- ----- (2002); *Identity*, A handbook of Leisure Studies. Palgrave Macmillan Ltd.
- ----- (2000); *Representation. A handbook of Leisure Studies*, Palgrave Macmillan Ltd.
- -Stebbins, R.A. (2007); *Serious Leisure: A Perspective for Our Time*, Transaction, New Brunswick, NJ.
- ----- (2011); *Leisure Reflections Personal Memoirs*, Project-Base Leisure and Therapeutic Recreation for Seniors. LSA Newsletter No. 88.
- Timms, Duncan (2002); *Identity, local community and the internet*, University of Striling, www.e.uni/minerva/pdf/identity
- Vattimo, Gianni (2003); "Knowledge Society or Leisure Society?", *Diogenes*, Vol. 50, No 1, PP 9-14.
- Kivel, D. B. & Kleiber, D.A. (2000); "Leisure in the Identity Formation of Lesbian/Gay Youth: Personal, But not Social", *Leisure Sciences*, 22: 215-232.
- Iwasaki, Y. (2003); "Pathway to Meaning – Making through Leisure – Like Pursuits in Global Contexts", *Journal of leisure Research*, 40 (2) 231-249.